

نمایشنامه

«تنها گریخته»

و

«بزن بریم»

با اجازه‌نامه رسمی و کتبی از نویسنده

‘ESCAPED ALONE’

&

‘HERE WE GO’

Caryl Churchill

سرشناسه	: چرچیل، کریل، ۱۹۳۸ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: Churchill, Caryl نمایشنامه تنها گریخته و بزب بریم / کاریل چرچیل؛ ترجمه پریسا سالاری.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص؛
شابک	: 978-600-7446-79-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Escaped alone - HERE WE GO , 2016
موضوع	: نمایشنامه انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
موضوع	: English drama -- 20th century
شناسه افزوده	: سالاری، پریسا، ۱۳۶۶-، مترجم
رده‌بندی کنگره	: PR
رده‌بندی دیویی	: ۸۲۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۲۸۳۹۷

نمایشنامه

«تنها گریخته»

و

«بزن بریم»

کاریل چرچیل

ترجمه پریسا سالاری



©Nashre Amareh, MMXXI



نشرآماره

عنوان: "تنها گریخته" و "بزن بریم"

نویسنده: کاریل چرچیل

مترجم: پریسا سالاری

ویراستار: شهرام احمدزاده

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۶-۷۹-۹

نوبت چاپ اول سال چاپ ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

©تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای

خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

[www.nashreamareh.ir](http://www.nashreamareh.ir)

## یادداشت ناشر

تا سه - چهار سال پیش، شاید هنوز هم، وقتی در کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها سراغ نمایشنامه‌های ایرانی می‌رفتم، از کمی آثار داخلی و خالی بودن قفسه‌های کتاب از نام نویسندگان جوان و خوش‌قریحه و باذوق عرصه ادبیات نمایشی، دچار یأس و ناامیدی می‌شدم. گونه‌ای ادبی که در سخت‌ترین شرایط جوانه‌زده و در بحرانی‌ترین زمان بالیده و رشد کرده بود، حالا دچار رکود و فراموشی شده بود!

برای احیا و جمع‌کردن آثار، راه‌حل‌های زیادی وجود داشت. یکی از آن‌ها تماس و ارتباط گرفتن با عزیزان اهل قلم و صاحب سبک بود که تعدادی از اساتید دانشگاهی و تعدادی هم از دوستان تئاتری و هم‌قلم بودند. راه دیگر ایجاد انگیزه و دست‌دراز کردن به طرف مؤلف‌های جوان بود که همین کار هم انجام شد. اولین کتاب را در سال ۹۷ چاپ کردیم که با استقبال خوبی همراه بود و بعد به ترتیب طی هماهنگی با نویسندگان بزرگ و صاحب‌نام که بر ما منت گذاشتند تا در خدمتشان باشیم. تعداد زیادی اثر به دستم رسید. خوب باید از این استقبال قدرانی می‌شد. بهترین شکل قدردانی، برخورد علمی- ادبی و منصفانه با نمایشنامه‌ها بود. باید بهترین‌ها را انتخاب می‌کردم آن هم با اصول و معیارهای قابل قبول. برای اینکه این برخورد علمی- ادبی منصفانه صورت گیرد، از میان همه

نویسندگان که سال‌ها کار کرده بودند. تعداد چشمگیری را انتخاب کردم که شایسته چاپ در این پک ادبی بودند. تا هر خواسته و سلیقه‌ی مخاطب اهل تئاتر را فراهم کرده باشم. بسیار سخت‌گیر و مشکل‌پسند که چندین اثر گواه این ادعاست.

انتشارات آماره به نیت همراه شدن با نمایشنامه‌نویسان و ارج نهادن به شور و شوق آفرینشگرانه آن‌ها در این وضعیت عجیب و ترسناک اقتصادی به یاری و خواست خدا و همت شما نویسندگان عزیز این مسیر را ادامه خواهد داد. امیدواریم که مجموعه نمایشنامه‌ها مورد پسند خوانندگان عزیز قرار بگیرد و انگیزه‌ای باشد برای خلق آثار بهتر. در پایان از مدیرمسئول محترم انتشارات آماره جناب آقای فرهاد نوع‌پرست که زحمت بسیار زیادی کشیدند و از تیم زحمتکش این نشریه و انتشارات که امکانات گرم کردن این فضا را مهیا ساخت، بسیار متشکرم.

**هومن بنائی**

**دبیر بخش ادبیات نمایشی و**

**داستانی**

## یادداشت مترجم

آدم‌ها همه می‌پندارند که زنده‌اند؛  
برای آن‌ها تنها نشانه حیات،  
بخار گرم نفس‌هایشان است!  
کسی از کسی نمی‌پرسد:  
آهای فلانی!  
از خانه دلت چه خبر  
گرم است  
چراغش نوری دارد هنوز؟

«احمد شاملو»

در این کتاب دو نمایشنامه پیش روی خوانندگان است. آثار سورئالی که در آن‌ها رابطه‌ی پیچیده‌ی بین عناصر مختلف، تمایزات و تناقضات به بازی گرفته شده است و از زندگی روزمره‌ی محافظه‌کارانه فاصله دارد. نمایشنامه‌ها ترکیبی از تکنیک‌های تئاتری و شم هنری نامحدود است.

در «تنها گریخته»، نگاهی به واقعیت سیاسی موجود در دنیا وجود دارد. رها کردن بغض‌های خفه‌شده‌ی چهار زن در حیاط پشتی خانه و افشای رازهایشان با چنین مونولوگ‌های شگفت‌انگیزی، بیان از ترس‌های فاسد شده و محتومی است که ناگهان بیرون می‌ریزد. شخصیت‌های

عجیب و آخرازمانی در دنیای پیش رو، در عین سادگی گیج‌کننده است.

با یک دعوت شروع می‌شود و وقتی خانم جارت قدم به داخل می‌گذارد، تداعی‌گر آلیس در سرزمین عجایب است. پیرزن‌ها از نوه‌ها، شغل‌های سابق و سرگرمی‌هایشان صحبت می‌کنند. گاهی یکی احساسات دیگری را به چالش می‌کشد و اتفاقاً تصادفی نیست. اما در لحظاتی گنگ، پرده‌ای از اضمحلال آخرازمانی نمایش داده می‌شود، داستان‌هایی از سیل‌هایی که زندگی را می‌بلعند، قحطی و طاعون ظاهراً پدیده‌های بی‌اهمیتی هستند که در برنامه‌ی آشپزی تلویزیون پخش می‌شوند.

این صحنه‌ها بصورت غیرقابل بیانی به نگرانی‌های هر روزه‌ی ما متصل است و آن خیالات را باورپذیر می‌کند، مثل جایی که در نمایشنامه می‌خوانیم: "دوست داشتی چه پرنده‌ای باشی؟"

در «بزن بریم» شکل دراماتیک مرگ به همراه یادآوری مرگ خودمان و احساس فناپذیری دلسردکننده‌ای نمایش داده می‌شود. خواننده در جایی از متن با شوک دراماتیک واقعی مواجه می‌شود که دوستان مرد متوفا، گیلان در دست، دیوار چهارم را می‌شکنند و با جزئیات مرگ خود را بازگو می‌کنند. در بخش دوم خواننده با دنیای تاریک مرد مرده همراه می‌شود. در پشت این صحنه‌ها، آرزوی برگشت به زندگی جسمانی نهفته است.



در صحنه‌ی آخر که فرآیند پایان‌ناپذیر تکرارِ زندگی پیرمرد است، لباس پوشیدن، از تخت بلند شدن، روی صندلی نشستن و سپس به تخت برگشتن و لباس‌ها را درآوردن، یادآور تکرار زندگی برای انسان‌های واپسین است. اما روزمرگی پرستار هم کم تراژدی به همراه ندارد. این صحنه برایم یادآور این جمله است:

"شما عاشق کسانی هستید که از آن‌ها مراقبت می‌کنید و عاشق کسانی که از شما مراقبت می‌کنند".  
کوتاه بودن نمایشنامه، پیام‌آور کوتاه بودن زندگی و جملاتی که ناتمام می‌مانند و ناگهان قطع می‌شوند، نشان از مرگ ناگهانی است.

## درباره‌ی نویسنده

کاریل چرچیل متولد ۳ سپتامبر ۱۹۳۸ در لندن است. بیش از سی سال است که مسئولیت‌های اجتماعی را با تجربیات تئاتری ترکیب کرده است. او در آثار خود به فمینیسم، سوء استفاده از قدرت و سیاست‌های جنسیتی می‌پردازد. می‌توان او را مخترع زندگی دراماتیک به زبان انگلیسی دانست. تخریب و ساخت دوباره‌ی سبک سنتی زبان و داستان‌سرایی از ویژگی‌های بارز اوست.

آثار تلخ او به تماشاگر و خواننده این فرصت را می‌دهد تا شاهد بازتابی از غم‌ها و نومیدی‌های خویش باشد. ما در تکرارهای زندگی خودمان را از یاد می‌بریم، نه به معنای تحت‌اللفظی فراموش کردن خاطراتی خاص، بلکه از یاد بردن بخش‌هایی از وجودمان که در آن احساس ویژه‌ی بهزیستن را تجربه می‌کنیم. ما به کمک چنین آثاری باطن خود را به حرکت در می‌آوریم. انسان با خالی کردن احساس ناسازگارش در محیطی غریب ولی قابل باور دچار لذتی جان‌بخش می‌شود. در صحنه‌های غریب اما مسخ‌کننده‌ی آثار کاریل چرچیل، می‌توان از عادات ذهنی گریخت و به عمق دنیای اطراف وارد شد.

## نمایشنامه

# «تنها گریخته»

من فقط تنها گریختم تا بتو بگویم.

**شخصیت‌ها** سالی، وی، لنا، خانم جارت

همه آنها حداقل ۷۰ سال سن دارند.

**مکان** حیاط پشتی منزل سالی. تعدادی صندلی

نامتناسب، شاید یکی از صندلی‌ها

صندلی آشپزخانه باشد.

**زمان** بعد از ظهر تابستان

تعدادی بعد از ظهر تابستانی، اما متوالی و

پیوسته.

## نمایشنامه

### «بزن بریم»

تعداد شخصیت‌ها می‌تواند متفاوت باشد. در صحنه اول نباید از ۳ نفر کمتر بوده و از ۸ نفر هم بیشتر باشند. شاید ۵ یا ۶ نفر خوب باشد. در مورد سن و جنسیت می‌توانید تصمیم بگیرید.

شخصیت در "بعد" می‌تواند متفاوت باشد و نیازی نیست همان مردی باشد که مراسم تشییع او در صحنه اول است. همینطور در بخش "بالاخره رسیدن" آن پرستار می‌تواند شخص جدیدی باشد که قبلاً ندیده‌ایم.